

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)
۱۷ مارچ ۲۰۱۹



یادنامه "لالا حیدر" رزمنده جانبخته سامائی

مرغان پرکشیده توفان که روز مرگ

دریا و موج و صخره بر ایشان گریستند



مرتضی مشهور به "لالا حیدر" فرزند برومند (غلام قادر) در سال ۱۳۳۵ش در یک خانواده متوسط الحال قریه خواجه مسافر ولسوالی زیبای پغمان دیده به جهان کُشود. پدرش فردی نكونام و یک تن از افراد دارای نفوذ اجتماعی در دره پغمان بود. مرتضی با پا گذاشتن به سن هفت سالگی، شامل مکتب ابتدائیه قریه اش شد. پس از مدت زمانی خانواده مرتضی رهسپار شهر کابل گردیده و بنا بر نداشتن سر پناهی ثابت، از یک جا به جای دیگر کوچ کرده و در خانه های کرائی روزگار را سپری می نمود. در نتیجه این خانه به دوشی، مرتضی جوان در مکاتب مختلف شهر کابل دروسش را به پیش می برد.

مرتضی بنا بر شم قوی فکری اش بسیار زود به نابرابری های جامعه ای که در آن می زیست، پی برده و بنا بر این درکش از مسائل و معضلات اجتماعی، توسط رفیق جاودانه یاد "عزیزالله اورباخیل" پغمانی مشهور به رفیق "شریف"، به عنوان عنصر رشد یابنده و با استعداد سیاسی تشخیص شده و پس از جذب و آغاز کار آموزشی، به جمع تشکیلاتی رفیق "مجید" پیوست. با ایجاد "ساما"، او به عنوان رزمنده نظامی - توده ئی، عضویت "ساما" را کمائی کرد. زان پس او تا زمان مرگش در جمع همزمان زنده یاد مجید بانی "ساما"، وفادار به آرمان های "ساما" باقی ماند و استوارانه رزمید.

در این مکتب مبارزه بود که رفیق مرتضی به درک سیاسی پشرفته تری از مسائل اجتماعی، درد و ستم اعمال شده بر توده ها توسط طبقات حاکمه و امپریالیسم و ریشه های آن و راه های رفع این ستمگری مشترک، رسیده و در جریان مبارزه انقلابی دم به دم آبدیده تر می شد.

رفیق مرتضی انسانی عملورز بود. او در انجام وظایف انقلابی زیادی اشتراک عملی می ورزید، با پیشقدمی می آموخت و تجارت گرانیهائی کسب می کرد و با گذشت هر روز فکر و شخصیت مبارزاتی اش در جریان عمل انقلابی صیقل می یافت. بسا از صفات نیکوی عیاری و جوانمردی در منش، کرکتر و تفکر وی تا سطح عناصر سازنده "اخلاق انقلابی" پخته شده و ارتقاء یافته و در روش و منش و عملکرد وی بازتاب یافته بود.

رفیق "لالا حیدر" در سال ۱۳۵۸ ش همزمان با تجاوز سوسیال امپریالیسم اشغالگر روس، جریان تحصیلات عالی اش در مؤسسه تربیه معلم کابل را ترک نموده و به جبهات نبرد مسلحانه پغمان در جوار سائر رفقای "سامانی" اش پیوست.

با گذشت زمان مواضع دسته های چریکی "ساما" در پغمان در زیر آتش متقاطع مزدوران اخوانی و روس اشغالگر و مزدورانش قرار گرفته و عرصه مبارزه در دره پغمان روز تا روز بر ایشان تنگ تر شده می رفت.

به منظور مخدوش نشدن تضاد عمده با اشغالگران روسی و ایادی بومی شان، برای گریز از درگیری بی مورد با تنظیم های اخوانی در منطقه، به دستور کمیته نظامی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)، رفیق "لالا حیدر" با جمعی از همزمانش دره پغمان را ترک گفتند. "لالا حیدر" سپس رهسپار کشور ایران شد. پس از گذشت مدت کوتاهی، وی وارد جبهه نیمروز شده و در این ولایت در نبرد های مختلف شرکت نموده و آوازه نبرد و نام "لالا حیدر" ورد زبان مبارزان آن دیار گردید.

هر جا "لالا حیدر" زیست و رزمید، محبوب قلوب توده های مردم فقیر شد. توده ها او را از خود می دانستند، به وی اعتماد می کردند و وی را یار و غمخوار خود می دانستند.

"لالا حیدر" در عین زیستن با مردم و یاری و همنوائی با آنان در غم و شادی شان، در امر تبلیغ اندیشه های سازمانش (ساما) نیز در میان جوانان و زحمتکشان محل زیست و نبردش، پیوسته تلاش وافر می نمود.

این رزمنده دلیر "ساما" همیشه با کوله باری از کتاب های علمی به روستا و مناطق دورافتاده و صعب العبور رفته و برای رفقاییش و طبقات محروم جامعه در جهت کسب آگاهی، رهگشائی و روشنگری کرده و در ارتقای آگاهی سیاسی آن ها می کوشید.

رفیق در سال ۱۳۶۵ش در جریان یک سفر از کشور ایران به شهر پیشاور پاکستان آمد. هنگام ورود به شهر پیشاور همراه رفیق راهش، توسط افراد مسلح مربوط به تنظیم اخوانی "اتحاد اسلامی" مربوط "سیاف" مورد شناسائی قرار گرفته، دستگیر شده و به کمپ "جلوزی" در حومه شرقی پیشاور مربوط آن تنظیم انتقال یافت.

"لالا حیدر" به جرم عشق به میهن و مردم، رزمیدن در موضع زحمتکشان و تعلق به سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)؛ چند سالی را در یک فراموشخانه تاریک توأم با شکنجه های متداوم سپری کرد. بدین ملحوظ پس از رهایی از زندان سیاف، بینائی چشمانش کمتر شده بود که تا آخرین روز های حیات از آن بابت رنج می بُرد. آن دو رفیق همراه چند سالی را در زندان تنظیم سیاف ماندند و سپس رهائی یافتند.

با وصف این همه مشقات، وقتی که "لالا حیدر" دوباره رها شد، نه نادم بود و نه هم مأیوس. با استواری و شجاعت تمام به راه برگزیده اش ادامه داده و از موضع فکری - سیاسی سازمانش علیه باند های مزدور اخوان، طالبان وحشی و امپریالیسم اشغالگر و منادیان آن رزمیده و دست به افشاگری سیاسی زد.

رفیق "لالا حیدر" در جریان عمل مبارزاتی اش به این اعتقاد بود که با وجود تزلزل، سست پیمانی و یأس عده اندکی نیمه راه در مبارزه دشوار؛ ارتجاع هار و امپریالیست های اشغالگر به هیچ وجه نخواهند توانست که اراده استوار اکثریت "سامانی" های متشکل، متعهد و باورمند را درهم بشکنند. رفیق در طول زندگی پرافتخار مبارزاتی اش استوارانه علیه تسلیم طلبان فرومایه و آنانی که سر سجود به پای هر جلاد و جبار زمانه سائیدند؛ ایستاده و نگذاشت که این عناصر ملوث ساخت پاک "ساما" را بیالایند.

سرانجام این رفیق مبارز انقلابی و عیار ما در شب بیست و پنجم ماه دلو سال جاری نسبت عارضه قلبی که عاید حالش گردیده بود، زندگی فقیرانه را در تنگدستی پدرود گفته و چشم از جهان فرو بست. مرتضی با مرگش، خانواده، رفقای سازمانی، دوستان و توده های دربند را که بر نام و نام آوری و فداکاری انقلابی این رزمنده توده ئی و نظامی "ساما" واقف بودند، در سوگ فرونشاند.

فردای آن روز، جمعه پیکر بی جان رفیق را به گورستان آبائی اش به خاک سپردند. در ختم خاکسپاری، یک تن از هواداران سازمان در وصف زندگی و مبارزات دشوار و افتخار آفرین چندین ساله رفیق صحبت نمود. در آن روز سرد زمستان که همه جای دره پغمان از برف سنگین سفید پوش شده بود؛ همزمان، دوستان و بستگانش با رفیق "لالا حیدر" آخرین وداع را به جا آوردند.

"لالا حیدر"! دیروز پیکرت تک و تنها در دل خاک سرد و سنگین در زیر برف های زمستانی پنهان شد، ولی با فرارسیدن اولین بهار پس از مرگت، لاله های سرخ بهاری زیادی بر مزارت خواهد روئید؛ لاله هایی که هم نشانی از داغ ستم و حرمان توده ها و هم رنگ قرمزین نویددهنده فریاد سرخ بهاری توده ها در پایان ظلام این فصل یخبندان، را در سینه و صورت خواهند داشت.

نونهالان و سرو های رسای زیادی در بیشه همیشه سبز سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)، روئیده و در مسیر طوفان رزم مقاومت میهنی و انقلابی خلق ما به زمین افتاده اند. در این بیشه انبوه در سایه کاج های تناور، برخی تاک گونه هایی هم روئیده و سپس تکیده اند. اینک سرو تناور دیگری از بیشه "ساما" به زمین افتاد. اما به رغم این همه شکستن و به زمین افتادن، این بیشه سرسبز است و کاج های روئیده در خاک بارور آن، ریشه در آب دارند. یک پروسه دیالکتیکی رویش و ریزش دایمی بی وقفه در جریان است، اما آنچه که ماندگار است، کلیت بیشه سبز است.

یاد و خاطراتت گرامی باد "لالا حیدر"!

راهی را که تو پیمودی، همیشه پر رهرو متین باد!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

یا مرگ یا آزادی!

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

۲۵ حوت ۱۳۹۷ ش